

خدای خوب من سلام ...





باج توئی تاریخ

تاریخ خنده دار خانه و خرت و پرت هایش

نویسنده: علی اکبر زین العابدین
تصویرگر: بابک قریب





سرشناسه: زین العابدین، علی اکبر، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: با مخ توی تاریخ
نویسنده: علی اکبر زین العابدین؛ تصویرگر: بابک عامل قریب.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۳۲ص: مصور: ۱۴×۱۹ سم.
شابک: دوره: ۳-۵۰۷-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸؛ ج. ۱: ۵۰۸-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: داستان‌ها، مجله‌ها و فکاهیات تصویری - ایران - قرن ۱۵
موضوع: Comic books, strips, etc. - Iran - 21st century
موضوع: داستان‌های تصویری - ایران. Graphic novels -- Iran
شناسه‌ی افزوده: عامل قریب، بابک، ۱۳۴۸-، تصویرگر
رده‌بندی کنگره: PNF۷۹۰
رده‌بندی دیویی: [ج]۷۴۱/۵۹۵۵
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۹۰۹۹۷۲۶
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا
۷۲۲۸۹۰۱

با مخ توی تاریخ ا:

تاریخ خنده‌دار خانه و خرت‌وپرت‌هایش

نویسنده: علی اکبر زین العابدین

تصویرگر: بابک قریب

دبیر تألیف: علی اکبر زین العابدین

مدیر هنری: علیرضا پورحنیفه

ویراستار ادبی: سمیرا رستگاریور

ویراستار فنی: سهیلا نظری

طراح گرافیک: سپیده حسین‌جواد

طراح جلد: حمیده سلیمانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۵۰۸-۰

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: نقش‌سبز

چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۱۲۴۰۰۰ تومان



۰۲۱-۶۳۵۶۴

کلیه‌ی حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است



۳۰۰۰۶۳۵۶۴

kids@porteghaal.com

www.porteghaal.com



porteghaalpub



این مجموعه را
اولش به پدرم تقدیم می‌کنم که از کودکی
تاریخچه‌ی هر چیزی را برایم تعریف می‌کرد.
بعدش باز به پدرم تقدیم می‌کنم که تاریخچه‌ی خانوادگی‌ام را برایم
تعریف می‌کرد.
بعدترش باز به پدرم تقدیم می‌کنم که همیشه از انسان‌هایی
که دیگر در دنیا نیستند، یاد می‌کند.





فهرست



۱۱ --- سُرُفهی درخت‌ها

۳۹ --- انفجار خانه با تبلت

۵۱ --- نقاشی کج روی فرش

۶۱ --- شمع وحشتناک

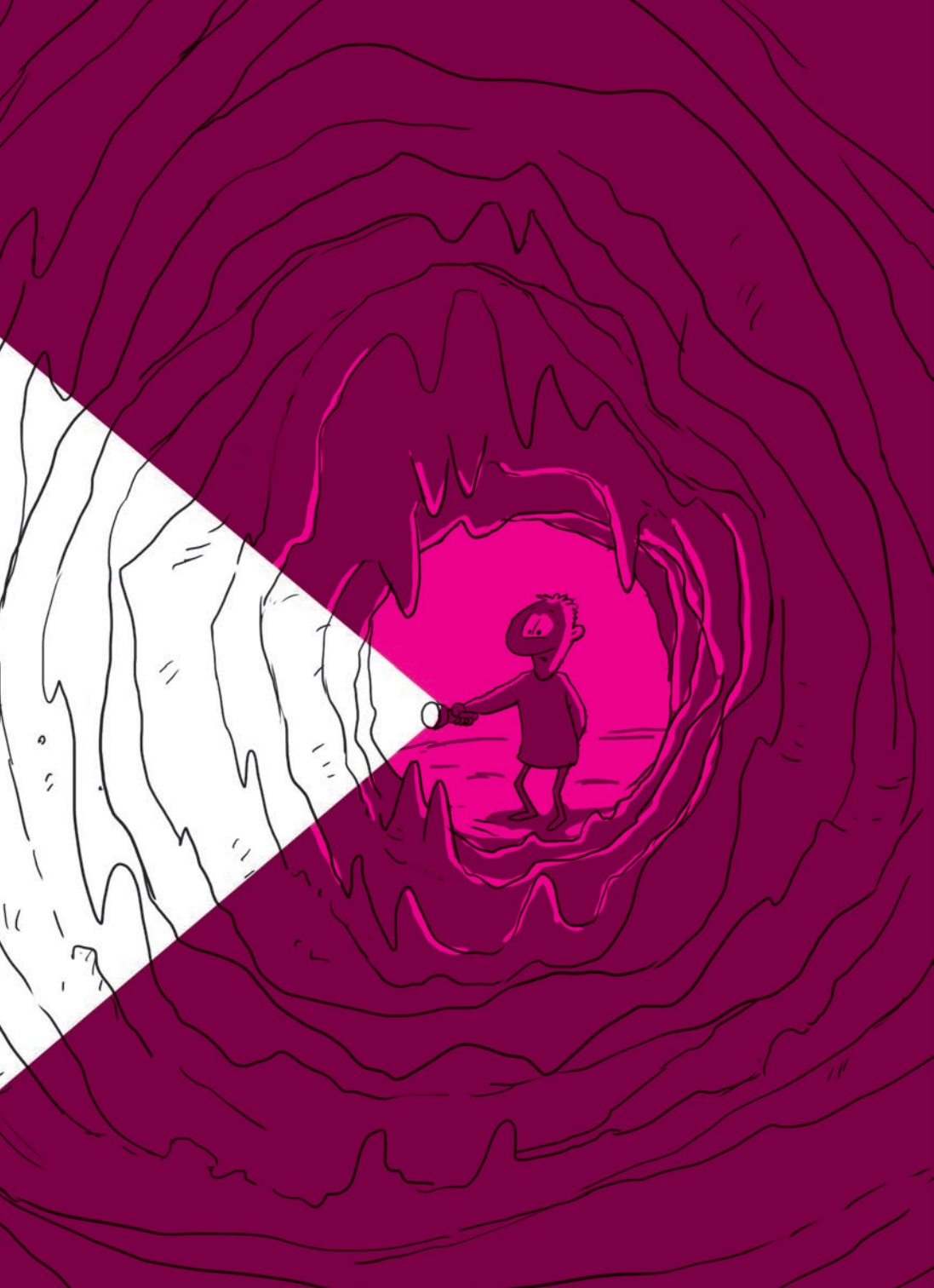
۷۱ --- حمام اتوماتیک

۸۳ --- یخچال، اختراع شکم‌ها

۹۵ --- هیولای تلویزیون‌ها

۱۰۷ --- قایم باشک با تلفن

۱۱۹ --- ساعت زنگ‌دار مزاحم



باغ توئی تاریخ بروی که چه؟

هر چیزی که دوروبر ماست از اولش این شکلی نبوده که! مثل خود تو. تا حالا عکس‌های کوچولویی‌هايت را دیده‌ای؟ آن موقع که اندازه‌ی کف دست بودی و از صبح تا شب ونگ‌ونگ گریه می‌کردی و تا یک قَلپ شیر می‌خوردی، گیگیل‌گیگیل می‌خندیدی! تو از اولش همین شکلی بودی؟ همین قَدی بودی؟ بگذار ببینم از اولش همین قدر بلبل زبان بودی؟ کوچولویی‌هايت وقتی می‌خواستی یک «بابا» بگویی سه ساعت لب‌هايت را بازوبسته می‌کردی و آخرش یک «با» می‌گفتی و «با»ی دوم را یادت می‌رفت!

آدم‌های مُخ یعنی همان دانشمندا، مخترع‌ها و هنرمندا هي به مخشان فشار آورده‌اند تا همه‌چیز را هي بهتر و راحت‌تر کنند. خانه‌ها بهتر شدند، اتومبیل‌ها اختراع شدند، مدادپاک‌کن‌ها نرم‌تر شدند و حالا غذاهای خوشمزه‌تری برای خوردن داریم؛ ولی قدیم‌ندیم‌ها همه‌چیز این‌جوری نبود.

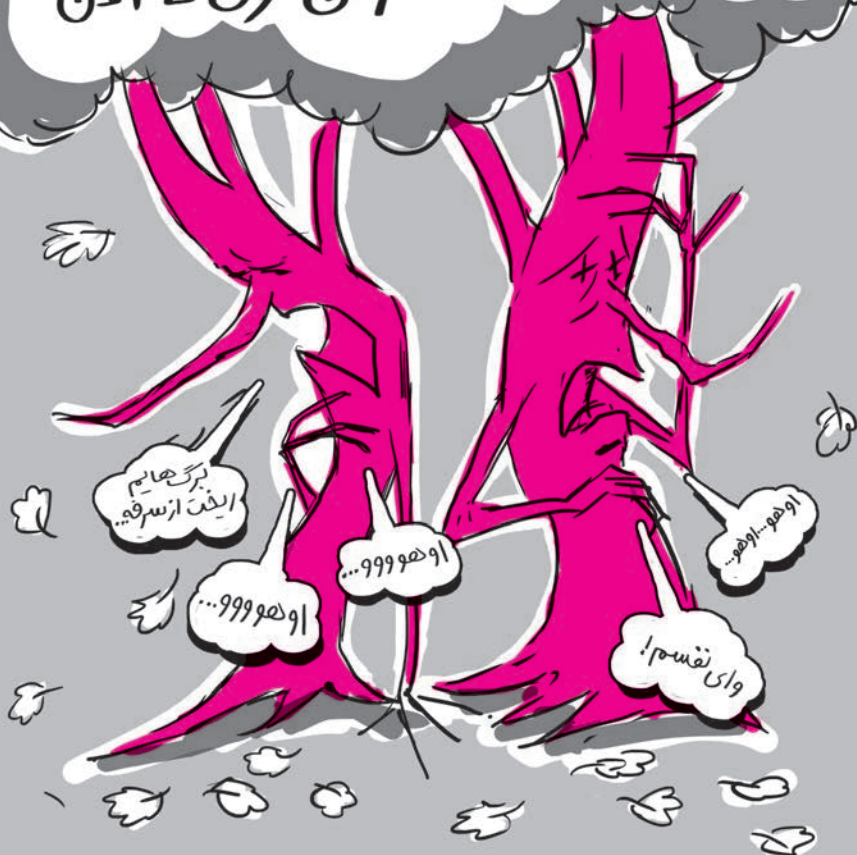
هروقت این کتاب را بخوانی، می‌توانی بروی این طرف و آن طرف پز بدهی که چقدر چیزميز بلدی. تا یک کفش ببینی یا یک هواپیما سوار شوی یا با تلفن صحبت کنی، زود می‌توانی برای همه تعریف کنی چه‌جوری شد که کفش‌ها و تلفن‌ها و هواپیماها این شکلی شدند. خدا را چه دیدی! شاید خودت هم یکی از مخ‌های تاریخ شدی!

ما هم برای اینکه تاریخ روی مخت راه نرود، این کتاب را خنده‌دار نوشته‌ایم تا جناب‌عالی مثل پجگی‌هايت که تا یک قَلپ شیر می‌خوردی گیگیل‌گیگیل خنده‌ات می‌گرفت، این‌ها را هم که می‌خوانی جیگیل جیگیل خنده‌ات بگیرد!



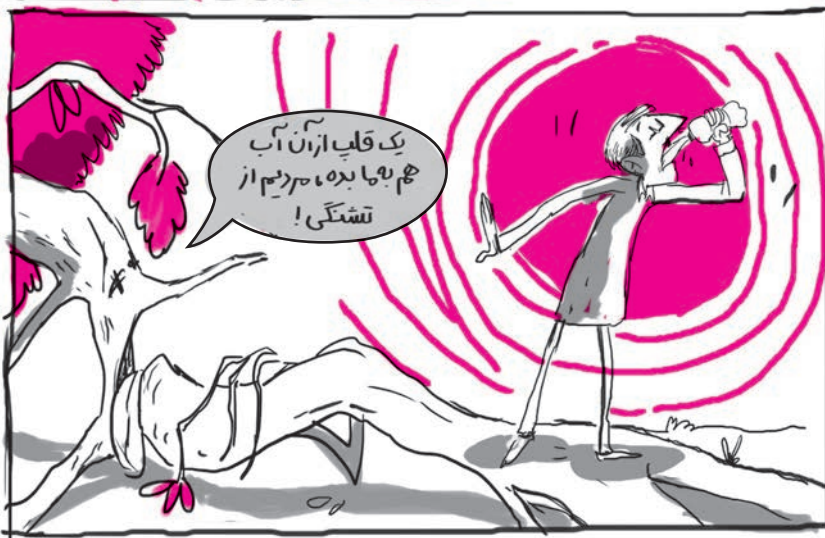
شرفه‌ی درخت‌ها

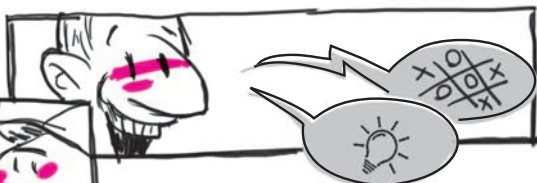
تاریخچه‌ی درخت از آن اول تا الان



درخت‌ها خیلی به آدم‌ها کمک کرده‌اند. تا حالا هم صدایشان درنیامده؛ ولی خیلی از آدم‌ها اشک درخت‌ها را درآورده‌اند. مثلاً وقتی درخت‌ها تشنه‌اند، به آن‌ها آب نمی‌دهند.







یا روی درخت‌ها را با میخ و سیخ
نقاشی می‌کنند.



آن درخت اضافه کن
چه کاری کنی؟! جلوی راه
بولدوزر را بسته.



کجا داری می آیی؟!

در قدیم در حیات هر خانه‌ای حتماً
درخت می‌کاشتند اما الان درخت‌ها
را از جا درمی‌آورند.

و به جایش ساختمان‌های بی‌قواره می‌سازند.





از زمان آدم‌های اولیه که تکنولوژی وجود نداشت،
درخت‌ها تا توانسته‌اند به آدم‌ها رسیدگی کرده‌اند تا همین الان که
آدمیزاد سه‌سوته می‌رود کره‌ی ماه. خیلی جالب است که درخت‌ها
همان‌شکلی مانده‌اند، با همان شاخه‌ها و همان برگ‌ها و همان میوه‌ها،
ولی باز هم بدون اینکه صدایشان دربیاید، دارند به آدم‌ها کمک می‌کنند.



اولش

درخت‌ها تنہا بودند۔ انسان‌ها نبودند۔

پس این آدم‌ها
کی آفریدہ می‌شوند؟
من تنہا ایم۔

لعش: انسان‌ها آمدند. آن‌ها گرسنه بودند. درخت‌ها به آن‌ها میوه دادند.

فغلاً این را
خور سر شوی.

ملج

ملج

ملج

ملج

بعدترش: انسان‌ها زیر
درخت‌ها می‌رفتند تا در باران
و برف خیس نشوند.



اینم چتر؛
دیگر چه می‌خواهی؟

فعلاً نمی‌دانم!

